

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایندولوژیک

داکتر امین الدین «سعیدی - سعید افغانی»

۳۰ جنوری ۲۰۲۵

بسم الله الرحمن الرحيم



ترجمه و تفسیر سوره النساء

جزء ۴، ۵، ۶ - ۱۶

سورة النساء/ جزء ۴، ۵، ۶

سورة نساء در مدینه نازل شده، دارای یکصد و هفتاد و شش آیه و بیست و چهار رکوع است.

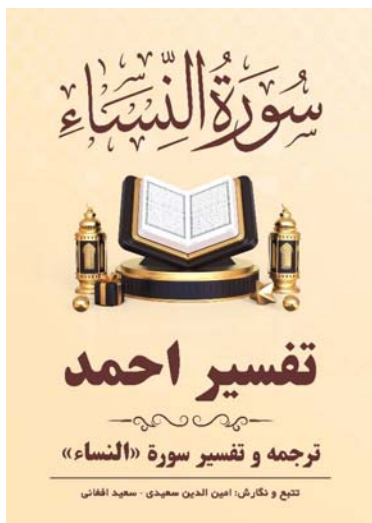
خوانندگان گرامی!

در آیت مبارکه (۳۲) در باره نهی الهی از حسد توأم با آرزو، آرزو کردن فضل الهی به بحث گرفته می شود.

خداوند متعال، مؤمنان را از افعال قلبی، از جمله: حسد و کینه ورزی، باز می دارد تا درونشان پاک از گناه، زینت و صیقل یابد. این فرمان، پس از نهی از خوردن اموال از روی باطل و ریختن خون ناحق صادر گشت. این

دو از افعال ظاهری جوارح انسان به شمار می آید که خودداری از آنها بیرون را چون درون می زداید و پاکیزه نگه می دارد.

وَلَا تَتَمَنَّوْا مَا فَضَّلَ اللَّهُ بِهِ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَتَبْنَا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَتَبْنَا وَاسْأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا (۳۲)



برتریهای را که خداوند نسبت به بعضی از شما بر بعضی دیگر قرار داده آرزو نکنید (این تفاوت‌های طبیعی و حقوقی برای حفظ نظام اجتماع شما و طبق اصل عدالت است ولی با این حال) مردان نصیبی از آنچه به دست می‌آورند دارند و زنان نصیبی؛ (و نباید حقوق هیچ يك پایمال گردد) و از فضل (و رحمت و برکت) خدا بخواهید و خداوند به هر چیز دانا است. (۳۲)

تشریح لغات واصطلاحات:

«وَلَا تَتَمَنَّوْا» (منی): آرزو نکنید. «مَا فَضَّلَ اللَّهُ بِهِ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ»: آن چه را که خدا به سبب آن برخی از شما را بر برخی دیگر برتری داده است، مبدا به حسد و کینه مبدل شود. «فَضْلٌ»: برتری داد، فزونی داد. «نَصِيبٌ»: بهره، سهم و قسمت. «اِكْتَسَبُوا»: با تلاش خود به دست آوردند، به زحمت کسب کردند.

شان نزول آیت ۳۲:

۲۷۷- حاکم از ام سلمه ل روایت کرده است که آن بزرگوار فرمود: مردان به جهاد می روند و زنان به جهاد نمی‌روند و سهم ما از میراث نصف سهم مردان است. پس خدای حکیم وَلَا تَتَمَنَّوْا مَا فَضَّلَ اللَّهُ بِهِ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ و آیه إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ ... (أحزاب: ۳۵) را در این مورد نازل کرد. (ترمذی ۳۰۲۲، حاکم ۲ / ۳۰۵، واحدی در اسباب نزول ۳۰۶ طبری ۹۲۳۷ از چندین طریق از ابن ابونجیح از مجاهد روایت کرده اند).
۲۷۸- ابن ابوحاتم از ابن عباس ب روایت کرده است: زنی خدمت رسول الله (آمد و گفت: ای پیغمبر خدا بهره مردان [از میراث] دوبرابر سهم زنان است و گواهی یک مرد حکم گواهی دو زن را دارد، آیا اعمال ما هم چنین است، یعنی اگر زنی یک کار نیک انجام بدهد، برایش نصف یک حسنه پاداش منظور خواهد شد؟ پس خدای متعال آیه وَلَا تَتَمَنَّوْا ... را نازل کرد. (ترمذی این حدیث را مرسل گفته است. اما حاکم می‌گوید: اگر مجاهد از ام سلمه شنیده باشد به شرط شیخین صحیح است).

تفسیر:

«وَلَا تَتَمَنَّوْا مَا فَضَّلَ اللَّهُ بِهِ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ»: ای گروه مؤمنان! هیچ یک از شما نباید با دیگری حسادت کند و آرزوی به دست آوردن فضلی را بنماید که حق تعالی به برادرش ارزانی داشته؛ زیرا تمام ارزاق تقسیم شده است و این خداست که برای هر کسی که بخواهد مطابق حکمت و علم خود چیزی را می‌بخشد.
پس حسادت با دیگران در آنچه خدای تعالی به آنان از قبیل مال، فرزند، مقام و منصب یا صحت و سلامتی داده کار مناسبی نیست.

مفسر جار الله زمخشری فرموده است: آنها از جانب خدا، از حسادت ورزیدن بر آنچه که خداوند برخی را بر برخی دیگر برتری داده است منع و نهی شده اند؛ چون این برتری، قسمت و نصیبی است از جانب خدا که مطابق حکمت و تدبیر و آگاهی او به احوال بندگان صورت گرفته است.
«لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا اِكْتَسَبُوا وَ لِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا اِكْتَسَبْنَ»: پس خداوند متعال به حسب اقتضای اراده و حکمت خویش، برای هریک از دو گروه بهره‌ای از کار و کردارشان قرار داده‌است که آنان را در برابر آن جزای مناسب می‌دهد.

مفسر طبری فرموده است: هر کس پاداش و جزای عمل خود را می یابد، اگر خیر باشد پاداش خیر می گیرد و اگر شر باشد کیفر بد می گیرد.

«وَسْئَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ»: از خدا فضل و کرمش را طلب کنید، به شما عطا خواهد کرد که خدا کریم و بخشنده است یعنی: به جای این که به تمنا و آرزوی نعمت و مقام این و آن مشغول شوید، خود کار و تلاش کنید و از خداوند خواهان خیر و فضل وی گردید زیرا فضل او گسترده و فراگیر است و از آن به شما ارزانی می‌دارد. در حدیث شریف به روایت ابن مسعود (رض) آمده است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «سلوا الله من فضله، فإن الله يحب أن يسأل، وإن أفضل العبادۃ انتظار الفرج». «از فضل خداوند درخواست کنید زیرا حق تعالی دوست دارد که مورد درخواست قرار بگیرد و بهترین عبادت انتظار گشایش است».

«إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا (۳۲)»: الله به همه چیز آگاه است و به همین سبب مردم را به طبقات مختلف تقسیم کرده و مقام و درجه بعضی را بالا برده است. پس فضل و بخشش وی از روی علم است و چون مورد درخواست قرار گیرد، آن را می‌داند، لذا بر خدای سبحان درکار، یا حکمی از افعال و احکام وی اعتراض نکنید.

مفسر تفسیر تفهیم القرآن در ذیل آیت مبارکه می نویسد: در این جا یک دستور اخلاقی بسیار مهمی داده شده است که اگر رعایت شود بشر امنیت بسیار زیادی در زندگی اجتماعی به دست می آورد. الله همه انسان ها را یکسان نیافریده است بلکه از جهات مختلف در میان آنان تفاوت هائی نهاده است. یکی خوش قیافه است و دیگری بدقیافه. یکی خوش صدا است و دیگری بد صدا. یکی توانمند است و دیگری ناتوان یکی اعضای سالمی دارد و دیگری نقص عضو مادر زادی دارد. به یکی از برخی توانائی ها و استعداد های جسمی و ذهنی، بیشتر داده شده است و به دیگری فلان توانائی بیشتر داده شده است. یکی در شرایط خوبی به دنیا آمده و دیگری در شرایط بدی. به کسی امکانات بیشتری داده شده است و به دیگری امکانات کمتری. همه گوناگونی تمدن بشری بر همین تفاوت و امتیاز استوار است و این غیر همسان بودن عین مقتضای حکمت است. در هر جائی که بشر بخواهد این تفاوت را از اندازه فطری و طبیعی آن با امتیازات مصنوعی خود افزایش دهد در آنجا یک نوع فساد ایجاد می شود و در هر جائی که برای از بین بردن این تفاوت از بیخ و بن به جنگ فطرت برود در آن جا یک نوع فساد دیگری پدید می آید. این ذهنیت انسان که هر کسی را از هر حیثی برتر از خودش ببیند نگران شود، ریشه رشک، حسادت، رقابت، عداوت، مزاحمت و کشمکش است و نتیجه آن این است که فضل و برتری را که به روش های مشروع نمی تواند به دست بیاورد، سعی کند آن را از روش های نامشروع به دست بیاورد. الله متعال در این آیت دستور پرهیز از همین ذهنیت را می دهد. منظور این ارشاد این است که فضل و برتری را که الله به دیگران داده تمنا و آرزو نکنید. البته از خدا فضل و توانائی مسئلت کنید. او هر فضل و توانائی را که با علم و حکمتش مناسب شما بداند به شما عطا می فرماید. و این ارشاد که «آنچه را مردان کسب کرده اند، آنان را طبق آن سهمی است و آنچه را زنان کسب کرده اند، آنان را طبق آن سهمی است».

مفسر تفسیر نور می نویسد: عدالت، غیر از تساوی است. عدالت همه جا ارزش است، ولی تساوی گاهی ارزش و گاهی ظلم است. مثلاً اگر طبیب به همه مریض ها يك نوع دوا بدهد، یا معلّم به همه شاگردان يك نوع نمره بدهد، تساوی هست، اما عدالت نیست. عدالت، آن است که به هر کس بر اساس استحقاقش بدهیم، گرچه تفاوت باشد، زیرا تفاوت گذاشتن بر اساس لیاقت ها و کمالات حقّ است، اما تبعیض باطل است. تبعیض آن است که بدون دلیل و بر اساس هوای نفس یکی را بر دیگری ترجیح دهیم، ولی تفاوت آن است که بر اساس معیارها یکی را بر دیگری ترجیح دهیم. بنابراین باید آرزوی عدالت داشت، ولی تمنای یکسان بودن همه چیز و همه کس نابجاست. اعضای يك

بدن و اجزای يك ماشين از نظر جنس و شكل و كرائى متفاوتند، اما تفاوت آنها حكيمانه است. اگر الله ، همه را يكسان نيافریده، طبق حكمت اوست. بنابراین در اموری كه به دست ما نيست، مثل جنسيت، زيبائی، استعداد، بيان، هوش، عمر و ... بايد به تقسيم و تقدير الهی راضی بود. ما كه الله را عادل و حكيم می‌دانيم، اگر در جائی هم دليل و حكمت چیزی را نفهميديم نبايد قضاوت عجولانه و جاهلانه همراه با سوءظن يا توقع نابجا به خداوند حكيم داشته باشيم و يا بر دارندگان اين نعمت‌ها حسد ورزيم، چرا كه با فزونی هر نعمتی، مسؤليت بيشتري می‌شود و آمدن هر نعمتی، با غم از دست دادنش همراه است.

بلی ! خداوند متعال اين برتری را از روی حكمت و تدبير و آگاهی به احوال بندگان خود، عطا فرموده است بايد همه كس به قسمت خود - كه مصلحتی در آن نهفته است - خشنود و قانع باشد، بسا اگر خلاف آن رزق و روزی خدادادی، آرزو كند، موجب تباهی وی خواهد بود. (بلكه بگويد: اللهم اعطى ما يكون صلاحافى دینى و دنياى و معادى و معاشى.) بنابراین، نبايد كسى را مورد كينه و حسد قرار دهد. هر كس بايد آن چه در توان دارد به كار گيرد و در عمل كوشد. در اين صورت برتری، همان ثمره جَد و جهد است. بايد زن و مرد، توان و تلاش خود را وارد ميدان عمل كنند تا برتری را از روی كردار به دست آورند. هيچ گاه آرزوی اموال ديگران را در سر نداشته باشند و حسد نورزند؛ بلکه فضل و احسان بيكران الهی را بچويند. (نساء/۵۴).

بی تردید، هر ثروتی كه بدون كار و كوشش و تلاش مداوم به دست آید ، از آن تو نيست و آرزوی آن را از سر به در كن. خوانندگان محترم !

در آيت متبركه قبلى بحث در باره نگهدارى ثروت، قاعده اى عمومى از راه كسب و تلاش مقرر را به بيان گرفت. در آيت (۳۳) بحث در مورد اعطای حق خویشاوندان و وارثان و بحث به شكل ديگراز صيانت اموالی كه از راه ارث به دست می آید، راهنمائی می كند.

وَلِكُلِّ جَعَلْنَا مَوَالِي مِمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ وَالَّذِينَ عَقَدْتَ أَيْمَانَكُمْ فَأَتَوْهُمْ نَصِيْبُهُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدًا (۳۳)

و برای هريك از والدين و خویشان و آنانی كه با ایشان پيمان بسته اید، در چیزی كه از خود برجای می‌گذارند، ورثه و حقدار قرار داده‌ايم، پس سهم آنها را (از ارث) بدهيد، زیرا الله بر هر چیز گواه است. (۳۳)

تشریح لغات واصطلاحات:

«وَلِكُلِّ جَعَلْنَا»: يعنى، لكل أخذ جعلنا يا لكل شيء، برای همه يا برای هر چیز وارثانی قرار داده ايم. «مَوَالِي»: مولى آن است كه از ديگرى پيروي كند. مولى (مولا) هم بر برده و هم بر ارباب إطلاق می شود؛ زیرا از يكدیگر پيروي می كنند.

به صورت كل بايد گفت: مولى، سرپرستان، در اینجا، مراد وارثان است كه می توانند در سهم الارث خود دخالت كنند. يعنى استحقاق دريافت تركه و استيلاء بر آن را دارند.

«الَّذِينَ عَقَدْتَ أَيْمَانَكُمْ»: کسانی كه شما با آنان پيمان بسته اید، پيمان زناشویی، پيمان سوگند... ايمان: جمع يمين، سوگندها، پيمانها و قول و تعهدها، شهيدا: گوا، حاضر و ناظر.

تفسیر:

در این آیت متبرکه که پروردگار با عظمت یکبار دیگر موضوع ارث را به بیان گرفته و می فرماید: «وَلِكُلِّ جَعَلْنَا مَوَالِي مِمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ»: برای هر انسانی (اعم از زن و مرد) (عصبه) و ارثانی قرار دادیم که مالش را به ارث می برند، و از آنچه والدین (پدر و مادر) و اقارب (نزدیکان) بر جای می گذارند ارث می برند.

موالی: نزدیکان ارث بر انسان هستند که به میراث وی نزدیک شده آن را مالک می شوند.

در ادامه این آیت می افزاید: «وَالَّذِينَ عَقَدَتْ أَيْمَانُكُمْ فَآتَوْهُمْ نَصِيْبَهُمْ»: سهم میراث را به اشخاصی بدهید که در عهد جاهلیت با آنان پیمان «نصرت» و «ارث» را بسته اید. در آغاز اسلام وضع چنین بود که به اساس اخوت اسلامی ارث می بردند ولی بعد از مدت کوتاه ارث خونی و قرابتی شد و حکم این آیت فسخ و نسخ شد. حسن گفته است: مردی با دیگری که هیچگونه پیوند نسبی با هم نداشتند، پیمان می بستند و از یکدیگر ارث می بردند اما به دستور خدا نسخ شد که فرموده است: «وَأُولُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ» در جاهلیت رسم بر آن بود که همپیمانان از یکدیگر ارث می بردند، بدینترتیب که مردی با مرد دیگری پیمان دوستی می بست و به او می گفت: تو از من میراث می بری و من از تو! این رسم کهن، در دوران جاهلیت و در آغاز اسلام نیز پابرجا بود، سپس با آیه: «وَأُولُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ» (الأنفال: ۷۵). «خویشاوندان نسبت به یکدیگر از دیگران در کتاب خدا سزاوارترند». منسوخ گردید و برای همپیمان فقط وصیت و نیکوکاری باقی ماند، به دلیل این فرموده حق تعالی: «إِلَّا أَنْ تَقُولُوا إِيَّايَ أَوْلِيَاءِنَا مَعْرُوفًا» (الأحزاب: ۶). «مگر آن که بخواهید به دوستان خود (وصیت یا) احسانی بکنید».

همچنان ابن عباس (رض) طی روایتی فرموده است: وقتی مهاجران وارد مدینه شدند، پیامبر صلی الله علیه و سلم بین آنان پیوند برادری برقرار کرد، مهاجران از انصار ارث می بردند، نه ذوی الارحام، که از پیوند اخوتی که پیامبر صلی الله علیه و سلم برقرار ساخته بود، به وجود آمده بودند. اما وقتی آیت «وَلِكُلِّ جَعَلْنَا مَوَالِي» نازل شد، آن حکم نسخ گردید. (مختصر بن کثیر ۱/۳۸۴).

ولی در نزد احناف، حکم این آیت منسوخ نیست و اگر کسی با دیگری عقد «موالاه» بست، از وی میراث می برد، اما بعد از صاحبان فروض (سهم بران) و بعد از عصبه و ذوی الارحام. پس تفسیر آیت کریمه نیز از نظر احناف چنین است: چون مرد یا زنی مسلمان شد و وارثی نداشت، از قوم عرب نبود و برده آزاد شده هم نبود، می تواند به شخص مسلمان عربی بگوید که: با تو بر این شرط پیمان دوستی می بندم که اگر جنایت کردم، به جای من دیه بدهی و اگر مردم از من میراث بری! و آن دیگری هم بگوید: پذیرفتم! پس در این صورت عقد «موالاه» منعقد گردیده و آن شخص عرب از همپیمان خود میراث می برد؛ در صورتی که کسی از اصحاب فروض، عصبه، یا خویشاوندان شخص همپیمان که از او در ارث ذی حق ترند، وجود نداشت.

و در اخیر آیت می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدًا (۳۳)»: قبل از همه باید گفت: ایمان به حضور خداوند، رمز تقوا و هشدار به کسانی است که وفادار به پیمان های خود نیستند خداوند از همه چیز باخبر است و الله متعال شاهد و ناظر بر هر کار و هر چیزی می باشد. بر عقدها و معاملات شما نیز گواه است، پس به تعهدات خود در قبال همدیگر وفا کنید و اگر احیاناً در دادن سهام صاحبان ارث کوتاهی کنید و یا حق آنها را کاملاً ادا نمائید در هر حال خدا آگاه است. این فرموده حق تعالی بلیغ ترین مژده و هشدار است زیرا وقتی خداوند بر پیمانهای ما گواه باشد، ما را در برابر وفا به آنها پاداش داده و در برابر پیمان شکنی مجازات می کند. / ادامه دارد